

"حتی اگر شب باشد!" عنوان گفتگوی است با آقای حبیب الله مرادی مدیر واحد پذیرش و حمایت‌های اجتماعی
"حتی اگر شب باشد!"

ادبیات آرمان شهری همان بیان دغدغه های سالیان دراز زندگی آدمی در دست یازیدن به آرزوهای محال بوده است. ادبیاتی که نویسنده با تشریح ماجرای سفر دور و دراز و تخلی قهرمان از آرزوهای خود و آنگونه که دنیای وی می باید بود سخن می گوید. اما از جمهوریت، نخستین اثر آرمان شهری، افلاطون گرفته تا فضای شرقی مجمع دیوانگان صنعتی زاده و غروب پروانه ی (نئوآره ی پروانه) بختیار علی هیچ گاه چنین دنیایی محقق نشد و تمام تلاش های وی در اجرایی نمودن آن نتیجه‌ای جز آنچه که با عنوان نسل تباہ شناخته شده است در پی نداشت.

در ظاهر ادبیات ما، دیستوپایی وجود ندارد چون میلی بر بیان بیشتر خراب آبادی که ساخته‌ایم نیست. اما کسانی معتقدند که دنیایی در ماورای هستی و سرزمینی دور دست وجود ندارد و همین دنیا را باید ساخت. کسانی که منتظر نمی مانند تا حتما شرایط خاصی پیش بیاید و دست به کار شوند بالاخره باید از جایی شروع کرد و برای این کار نیازی نیست که توشه‌ی سفر بردارند و عازم سرزمین های دور دست شوند یا در جست و جوی مامنی در کوهستان باشند. از نظر آنها برای طرد شدن از جامعه لازم نیست که حتما اهل بصری و سرچنار باشی. تفکر حاکم بر جامعه خود به خود تو را طرد خواهد کرد و تو احساسش نمی کنی مگر آنکه جزئی از آن باشی.

موسسه‌ی خیریه‌ی هیوای ژیان یکی از ده ها موسسه‌ی خیریه‌ی فعال در شهر سنندج است که از سال 1387 فعالیت رسمی خود را آغاز نمود. این گفت و گو به بهانه‌ی برگزاری نخستین همایش تقدیر از محصلان تحت پوشش با حبیب الله مرادی، مدیر واحد پذیرش و حمایت های اجتماعی این موسسه، صورت گرفته است.

هیوای ژیان به کجا رسیده است؟

این کار از یک حرکت کوچک و از فترتی اجاره‌ای در پلساز حبیبی شهر سنندج شروع و کم کم گسترش پیدا کرد و حالا که شش سال از فعالیت آن می گذرد حدود شصت کارمند افتخاری و نیمه افتخاری با آن همکاری دارند و هم اکنون 136 خانواده‌ی یتیم، شانزده دانش آموز، و هفت دانشجو بی بضاعت را تحت پوشش دارد. لطفا در مورد نحوه‌ی شناسایی خانواده‌ها برایمان صحبت کنید.

اکنون که موسسه نام و نشانی یافته است خانواده‌ها خود مراجعه کرده و یا خیرین کسانی را معرفی می کنند. البته این بدان معنی نیست که افراد مورد نظر فوراً پذیرش می شوند. ابتدا نام و مشخصات آنها در ریز برنامه‌ها قرار می گیرد و سپس به بازدید و جمع آوری اطلاعاتی از آنها می پردازیم. اگر بحث خانواده‌ی ایتم در میان باشد فقط یک جلسه کافی است. اما اگر دانش-آموز و دانشجوی ممتاز باشد جلسه‌ی پذیرش، متشکل از هفت نفر از واحدهای مختلف، برای تصمیم گیری در مورد آنها تشکیل می گردد. در این جلسه مقدار کمک تعیین خواهد شد و اینکه آیا آنها ممتاز هستند یا خیر. در صورت تأیید، پرونده وارد جلسه‌ی هیئت مدیره می شود و اگر آنجا هم تأیید شد با توجه به قوانین و فرم های موجود مقدار مشخصی به طور ماهیانه به حساب آنها واریز می گردد. تمرکز موسسه از سال گذشته به کودکان بی سرپرست تغییر یافت علت این امر چه بود؟

قبلا موسسه بر گروه هدف مشخصی تمرکز داشت و تا پاییز سال گذشته خدمات خود را معطوف هر قشری- یتیم، بی سرپرست، بدسرپرست، خانواده‌های طلاق، پیر، و از کارافتاده- می نمود. اما پس از مدتی با چالش های جدی روبرو شدیم. عدم تطابق و همخوانی خانواده های پیر و از کار افتاده با خانواده‌های جوان علت این امر بود. و نهایتا از مهر سال گذشته پس از یک بازنگری کلی گروه هدف به خانواده های یتیم با سرپرست مادر و دانش آموزان و دانشجویان بی بضاعت ممتاز اعم از یتیم و غیریتیم یا فرزندان طلاق تقلیل یافت. خارج از این موارد، مگر مورد جادی باشد و گزینه دخلتی نمی کنیم. احساس نمی کنید که اگر موسسات خیریه در هر شهر تحت نظارت سازمان یا تشکل خاصی قرار بگیرند و به هرکدام وظیفه‌ای خاصی محول گردد بهتر خواهد بود، اینگونه مراجعان هم دربر موسسات خیریه که در شهری مثل سنندج اکثرا بر بی سرپرستان تمرکز دارند نمی شوند؟

برای سازمان دهی این موسسات کارهایی انجام شده است. در سال گذشته خانه‌ی خیرین با هدف تفکیک مسئولیت خیریه‌ها تشکیل شد تا هرکدام در بخش خاصی فعالیت کنند، یکی بی-سرپرست، دیگری کودکان خیابانی، و اینکه همه بر گروه خاصی تمرکز نداشته باشند. اما با گذشت یک سال تحولی احساس نمی شود؟

به این سادگی ها هم نیست. هماهنگ سازی خیریه‌ها کار دشواری است و نیاز به درایت و تدبیر فراوان دارد. از سوی دیگر برخی از خیریه‌ها فوق المعاد فعال و برخی فعالیت محدودی دارند و همه یک دست و یک شکل نیستند. اطلاع دارم که جلساتی تشکیل شده است ولی فعلا نتیجه‌ی عینی مشاهده نمی شود. هیوای ژیان نخستین موسسه‌ی خیریه‌ی غرب کشور بود که موفق به دریافت گواهینامه‌ی ISO9001 شد. در این باره توضیح می دهید.

همانطور که اطلاع دارید این گواهی نامه‌ی مدیریت کیفیت است و روال خاص خود را دارد. در ابتدا با توجه به موقعیت و وضعیت موسسه و براساس اصول و چهارچوب های ISO9001 طراحی و بومی سازی صورت گرفت و سپس اجرا و پیاده‌سازی شد. تاملی معیارهای خاص ISO9001 در آن رعایت شد و برای هر یک از آنها مستنداتی کامل ایجاد و موفق به کسب گواهینامه شدیم. البته این به معنای پایان کار نیست و موسسه هر سال موردبازبینی مجدد قرار گرفته و در صورت مشاهده‌ی عدم پایبندی به اصول، گواهینامه لغو خواهد شد. به نظر شما ضعف موسسه در حال حاضر در کجاست؟

محال است که کاری را شروع کرد و وضعی نداشت. اگر کاری ضعف نداشته باشد امیدی هم به پیشرفت آن نیست. تمام تلاش ما در راستای از میان

برداشتن ضعف‌ها است. گاهی هم ضعف‌ها شناسایی نشده‌اند و چون شناسایی نشده‌اند نمی‌توان گفت که وجود ندارند. چه چیز سبب فعالیت بیشتر شما می‌شود؟

انگیزه‌ی درونی. انسان ذاتاً موجودی منفعت طلب است، منفعت مادی یا معنوی، رسیدن به آرامش، یا دینی که نسبت به جامعه‌ی خود احساس می‌کند و این به خود تو بر می‌گردد، به اعتقادی که شخص دارد! اگر این انگیزه نباشد محال است که در این شرایط فعلی، کاری عظیم را انجام داد. آیا شخصی‌الگوئی این کار خیر شما بوده است؟ و یالبینکه انگیزه خدمت در چنین جایگاه و مکانی را چه کسی یا کسانی در شما ایجاد کرده است؟ آقای سیدزاده که جزو بنیانگذاران موسسه هستند و کل زندگی خود را وقف موسسه کرده‌اند. تا به حال پیش آمده احساس کنید که دیگر خسته شده‌اید؟

گاهی که حجم کارها زیاد بوده و یا مشکلاتی در حین کار پیش می‌آید به خود می‌گویم که دیگر نمی‌توانم، چرا این مسئولیت سنگین را قبول کرده‌ام؟ اما بازم ندای درونم می‌گوید نه، به هر حال هر شخصی ظرفیتی از لحاظ توانمندی و احساسات دارد. خصوصاً در واحد تحت مدیریت من که در ارتباط مستقیم با خانواده‌ها و غم و غصه‌هایشان قرار داریم و بعضی مواقع پیش می‌آید که نمی‌توانیم کمکی کنیم. آیا تورم سال‌های اخیر از میزان مشارکت مردمی نکاسته است؟

پس از موج تورمیک، خصوصاً از پاییز گذشته، یک بحران روانی ایجاد شد و بر میزان مشارکت هم تأثیر گذاشت اما خوشبختانه با تدابیر بخش مشارکت و فعالیت‌های بیشتر اعم از جذب خیرین بیشتر این مشکل تا حدی جبران گردید. اما تا جایی که به بخش ما در ارتباط است می‌توان گفت که متأسفانه پس از تورم درخواست کمک از ما فوق‌العاده افزایش یافته و افراد زیادی که قبلاً در محدوده‌ی فقیر به حساب نمی‌آمدند از ما تقاضای کمک می‌کنند. علی‌رغم رشد روزافزون موسسات خیریه همچنان با افزایش تکی‌گری در گوشه و کنار خیابان مواجهیم و یا روزی نیست که در خانه‌ای زده نشود؟ فلسفه‌ی وجودی موسسات خیریه دقیقاً بر این محور گذاشته شده است: جلوگیری از تکدی‌گری. اما تا زمانی که مردم دخالت مستقیمی در این کار نداشته باشند وضع بر همین منوال باقی می‌ماند. بهر حال تا جایی که به ما ارتباط داشته باشد اگر ببینیم که خانواده‌ها کوچکترین حرکتی در این زمینه انجام می‌دهند فوراً مستمری آنها را قطع می‌کنیم. رویکرد اصلی موسسه‌ی هیوای زیان آن است که سطح فرهنگ و مناعت طبع خانواده‌ها را افزایش دهد تا به آن سمت‌ها کشیده نشوند. حداقل هر سه ماه یک بار تاملی پرونده‌ها را بازبینی می‌کنیم، حتی همه را به اسم می‌شناسیم. خوشبختانه در موسسه کسانی هم بوده‌اند که خودشان مراجعه کرده و اظهار می‌دارند که دیگر نیازی به حمایت ما نیست یا حقوق بازنشستگی یکی که با مشکل مواجه بوده برطرف شده و خودش مراجعه می‌کند و تقاضای حذف از لیست مددجویان دارد. منکر آن نیستیم که عوامل مختلفی بر شخصیت و کردار فرد تأثیر گذارند اما می‌توان گفت که موسسه در این امر بی‌تأثیر نبوده است. یکی از روش‌های جمع‌آوری کمک‌های شما صندوق است. تا به حال مشکلی پیش نیامده مثلاً دزدی از آنها؟

گاهی مواردی پیش آمده، در معابر، مغازه‌ها، و مساجد، که متأسفانه معمولاً کار تعدادی معتاد است و کاری هم نمی‌توان کرد. اسکناس کهنه بالای جان برخی خیریه‌ها شده است. اسکناس‌هایی که حتی بانک‌ها هم حاضر به تعویض آنها نیستند و آنها مجبور به اسکناس سوزی می‌شوند. با چنین مواردی برخورد داشته‌اید؟

نه خوشبختانه تا بحال مورد حادی نداشته‌ایم. بحث لباس کهنه، گاهی دیده می‌شود که لباس‌های غیرقابل استفاده به موسسات خیریه آورده می‌شوند. از مردم نمی‌خواهید که لالقل لباس نو بیاورند؟

این خواست درونی ما است که آنها لباس نو بپوشند اما با حذف اهدای لباس‌های کهنه جلوی موارد خوب هم گرفته می‌شود و باور کنید که لباس‌های کهنه‌ای که امسال اهدا شدند خانواده‌های زیادی را نجات داد خصوصاً که این روزها قیمت پوشاک گران تر هم شده است. به هر حال خوب و بد در کنار هم وجود دارند. موسسه زمانی اعلام کرده بود که دیگر لباس را نمی‌پذیرد اما براساس نیاز مجدداً این بخش را احیا شد و اکنون ضمن تشکر از خیر، تک تک لباس‌ها را بررسی و لباس‌های قابل استفاده را جدا می‌کنیم. هزینه‌های شما را خیرین تأمین می‌کنند، واهمه‌ای از این ندارید که اگر اتفاقی بیفتد چه می‌کنید؟

خیرین ما ثابت و متغیر هستند. یک نفر در بخش توجیه موسسه فعالیت می‌کند و وظیفه‌ی او جذب خیرین جدید یا افزایش مقدار کمک شده است. تحصیل‌داران هم سر هر ماه مقدار تعهد داده شده‌ی هر خیر را از او تحویل می‌گیرند و اگر چنین موردی مشاهده شود فوراً گزارش داده شده و ما فوراً چاره‌جویی می‌کنیم. گاهی پیش آمده است که خیر انصرف داده و یا قصد خداحافظی و خواهان خارج شدن از مجموعه را داشته باشد. به نظر شما راه اندازی سایت تأثیری بر میزان مشارکت هم داشته است؟

خوشبختانه راه اندازی سایت موسسه در معرفی بیشتر و جذب خیرین بخصوص خارج از سندج، بسیار مفید بوده است.

یکی از اقدامات متفاوتی که واحد IT در بخش جذب مشارکت و حل مشکل مددجویان از طریق وب سایت موسسه انجام داد، فعال کردن بخشی با عنوان "پرونده ویژه" بود. یکی از پرونده‌های ویژه‌ای که در این زمینه بسیار موفق بود، پرونده حمایت از پسر بچه‌ای بنام بشیر بود که دچار بیماری نیلسون (دفع مس از کبد) بود که خوشبختانه در یک دوره زمانی 45 روز بیش از 110 میلیون ریال از این طریق برای وی جمع‌آوری شد.

ما بنا داریم که در آینده این بخش را به صورت ویژه پیگیری نمائیم تا خیرین از نزدیک با مشکلات مددجویان تحت پوشش موسسه ارتباط داشته و مستقیم به فرد موردنظر خود کمک نقدی و غیرنقدی خود را اهدا کنند. اما ارائه‌ی طرح‌هایی از طریق دنیای مجازی نیازمند کار شبانه‌روزی است. بیشترین تمرکز موسسه بر کدام بخش قرار دارد؟

بیشترین تمرکز موسسه بر آموزش قرار دارد و هدف ما آن است که اگر زمانی موسسه با یک برند خاص شناخته شد آن برند آموزش باشد. چون ما معتقدیم که تنها چیزی که قادر به ریشه‌کن کردن فقر می‌شود آن است که نسل آینده از هر نظر بخصوص فرهنگی و آموزشی فقیر نباشند. از این رو باید

برای کسانی سرمایه‌گذاری کرد که قادر به ایجاد تغییر در آنها باشیم. فکر نمی‌کنید که اگر بر روی کارآفرینی تمرکز کنید خیلی زود خانواده‌ها را از وابستگی به خود رها ساخته‌اید؟

موسسه از چهار بخش حمایتی آموزش خانواده‌ها، مددکاری، کارآفرینی، و پزشکی تشکیل شده است. کارآفرینی از سال گذشته تاکنون برای یازده نفر کارخانگی ایجاد کرده و بزرگترین این کمک‌ها راه اندازی دو باب مغازه و مایقی قلی و پولیش کردن و... بوده است. منظور من فروش کالایی خاصی مثلا تقویم های سال نو که بسیاری از موسسات خریه انجام می دهند و یا برپایی فروشگاه مثل فروشگاه زندانیان سه راه شریف آباد که مثلا افراد تحت پوشش صنایع دستی خود را در آن به فروش برسانند. عواید این کار در نهایت به خود شما هم باز می‌گردد؟ در صورتیکه مددجویان خواهان کار باشند از آنها حمایت نموده و برای آنها کار خانگی راه اندازی می‌کنیم. این نوع مشاغل چون کم هزینه‌ترند و طرف حساب ما اکثرا خانم‌ها هستند امکان اجرا وجود دارد ولی اگر منظور شما این باشد که موسسه راسا کار ایجاد کند چنین امکانی نداریم اما بنا داریم در آینده با توسعه مشاغل خانگی راه را برای خودکفائی مددجویان فراهم کنیم. در این راه می‌بایست هنرمندان و صنعتگران بخصوص صنایع دستی با اختصاص وقت خود جهت آموزش به مددجویان برای نیل به این هدف به کمک موسسه بیایند. چقدر سعی می‌کنید که با مردم همدل باشید- حتی اگر قادر به کمک کردن به آنها نباشید؟

هدف اصلی ما التیام بخشیدن به زخم‌های خانواده‌های تحت پوشش است. اما حداقل کمک ما به سایر مراجعان همدلی با آنها است و حتی با وجود عدم توانایی در یاری رساندن به طور محترمانه‌ای آنها را بدرقه می‌کنیم. یکی از بخش‌های ISO چگونگی برخورد با مراجع است و حتی کلاس‌های مختلفی هم برای بخش مددکاری برگزار شده تا این بخش پررنگ‌تر شود. چقدر سعی می‌کنید تا حرمت افراد حفظ شود؟ هیوای زیان حفظ کرامت انسانی را در سرلوحه‌ی کارهای خود قرار داده و معتقد است که سطح فرهنگ خانواده‌ها با برخورد مناسب و نحوه‌ی کاری که آنها عملا از ما می‌بینند ارتقاء می‌یابد. برای اثبات این ادعا می‌توان گفت که ما مطلقا از مردم و همسایگان پرس و جو نمی‌کنیم. از خود خانواده می‌پرسیم اگر دروغی هم گفته باشند در مراجعات مستمر آشکار می‌گردد. به نحوی رفتار خواهیم کرد که خودشان متوجه شوند. حتی آشنا و همسایه خبردار نمی‌شود که آیا آن فرد کمک می‌گیرد یا خیر.

تا الان موردی پیش آمده که بیش از حد تحت تاثیر فردی قرار گرفته و نتوانسته باشید کمکی به وی کنید ؟

در اوایل مهر مدیر یکی از مدارس کودکی را به ما معرفی کرد که مشکلات استخوانی داشت ما کمکش کردیم و همه چیز فراموش شد تا همین چند روز پیش که دوباره مادرش به موسسه مراجعه نمود و به بیان مشکلاتی از زندگی خود پرداخت. با تامل وجود دلم به حالش سوخت- علی‌رغم آنکه من به ندرت تحت تاثیر قرار می‌گیرم و منطقم بر احساسم غالب است. چون کودک پدر داشت طبق قانون موسسه قادر به تحت پوشش قرار دادنش نبودیم. پدر او سرحلال و جوان است اما کم درآمد به هر دلیلی- کم کاری یا معضلات اجتماعی. رنج‌های او بسیار واقعی و ملموس بودند و ما نمی‌توانستیم کمکش کنیم.

بیشتر توضیح می‌دهید.

پدر بی خیال و شغل کم درآمدی داشت. دختر فوق العاده لاغر، نحیف و حتی بیمار بود. نخستین چیزی که به ذهن هر انسانی خطور می‌کند مسئله‌ی تغذیه‌ی او است. آیا موسسه چگونه می‌توانست تغذیه‌ی او را تامین کند در حالی که خودش پدر دارد و او اقدامی در این زمینه نمی‌کند؟ ترویج تن پروری جزء اهداف موسسه نیست اگر دخالت می‌کردیم فلسفه‌ی وجودی موسسه زیر سؤال می‌رفت. چاره‌ای هم نبود نمی‌توانستیم که پدر را به حرکتی واداریم. در مواردی که پدر و مادر هر دو معتاد یا پدر و مادر بدسرپرست باشند وضعیت بدتر می‌شود. و چرا مثل کشورهای دیگر جایی وجود ندارد که حضانت این کودکان را از والدین آنها بگیرد در حالیکه آنها لیاقت سرپرستی وی را ندارند، نهادی که به راحتی مداخله کند و مامنی برای این زن و و کودک بسازد. این کودک هیچ گناهی ندارد. مددکاری کار سختی است و اگر شخص رفتار حرفه‌ای و دلسوزانه‌ای نداشته باشد زود انگیزه خود را از دست خواهد داد.

شما چهار سال است که اینجا کار می‌کنید چقدر فکر می‌کنید که رویایان تحقق یافته است و به بیراهه نرفته‌اید؟

اجازه دهید که جواب سوالات را اینگونه بدهم. شهر سندیج با هیوای زیان و این شهر بدون هیوای زیان. اگر منصفانه به قضیه نگاه کنیم جواب آشکار است. بدون هیوای زیان این افراد دنبال مامن و سرپناه دیگری خواهند رفت. در پاسخ به سوال دیگران هم می‌توانم بگویم که به نظر من هیوای زیان باید بهتر از این باشد و ما به تدریج به سوی این هدف در حرکتیم. چه برنامه‌ای برای آینده دارید؟

بر طبق اصول ISO هر ساله یک هدف کلی تعریف می‌گردد. از این رو شاخص‌های کلی به منظور پایش نتایج و تعیین میزان پیشرفت، هر چند مله یک بار، تعیین می‌گردد. البته برای پاسخ‌گویی به این هدف نیز باید در اهداف هر یک از بخش‌ها دقیق‌تر شویم و ببینیم که مسئول هر بخش چه هدفی را در نظر گرفته است. ولی در کل می‌توان گفت که هدف اصلی هیوای زیان تبدیل شدن به یک برندی است که با آن شناخته شود، منظورم آموزش است. چون فرزندان این خانواده‌ها آسیب پذیرترند و این بخش بر خانواده‌ها و نسل آینده تاثیرگذارتر خواهد بود. از برگزاری همایشی که جدیدا برگزار کردید بگوئید. ایده‌ی آن از کجا شکل گرفت؟

نام همایش "تقدیر از دانش‌آموزان و دانش‌جویان برتر" است که تحت پوشش موسسه قرار دارند. قبلا جوایزی به هر یک از آنان اهدا می‌شد اما احساس کردیم که تاثیرگذار نبوده است. پیشنهاد شد که این بار در قالب همایشی این کار صورت گیرد و اگر موفقیت آمیز بود سالی دو بار یعنی پس از امتحانات خرداد و دی این کار تکرار گردد. این همایش با حضور خیرین و خانواده‌هایی که فرزند محصل داشتند برگزار شد. برنامه‌ها نیز شامل اهدای جوایز،

سخنرانی آقای سیدزاده از بانیان موسسه، سخنرانی سه تن از دانشجویان، سخنرانی دکتر شیرزاد سیفی به عنوان سخنران اصلی در مورد امید به زندگی، و اجرای موسیقی گروهی از دانش آموزان دبیرستان نمونه‌ی امام شافعی بود و از همین جا از آنها خصوصاً جناب آقای بهمنی و عطایی-پور تشکر می‌کنم.

سخن آخر

امیدواریم که در آینده خود دانشجویان تحت پوشش، این موسسه را اداره کنند.
جناب آقای مرادی از همکاری و وقتی که در اختیار ما قرار دادیداز شما بسیار سپاس گذارم.